

The Determining of Proportion Personal and Punishment Variables in Explaining Offender's Criminal Thinking

Malek Mirhashemi. Ph.D.

Dept of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

Heidarali Zaree. Ph.D.

Dept of Psychology, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran.

Mehdi Nazariolom. MSc. Ph.D.

Dept of Psychology, roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

Abstract

The main objective this research was to predicting criminal thinking upon personal and punishment variables in offenders. The research method was correlation research. The population consisted of all offenders in prisons of Great Tehran. The sample group (N=326) were chosen via one stage stratified randomly sampling method from prisons of Tehran's Great Prison. The research instrument was Criminal Thinking Styles Scale (Knight et al., 2006). The results of multiple regression analysis indicated that personal (age and birthorder) and punishment (imprisonment duration) variables have significant effect on criminal thinking ($p < 0.05$).

Keywords: personal and punishment variables, criminal thinking, prisons.

پیش‌بینی تفکر جنایی بر اساس متغیرهای شخصی و کیفی در مجرمان*

مالک میرهاشمی**

دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی،

رودهن، ایران

حیدرعلی زارعی

استادیار گروه روان‌شناسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی،

ایران

مهدی نظری

گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

چکیده

هدف اساسی پژوهش، پیش‌بینی تفکر جنایی بر اساس متغیرهای شخصی و کیفی در زندانیان بود. روش تحقیق، همبستگی بود. جامعه تحقیق شامل همه زندانیان زندان‌های سطح تهران بزرگ بود. گروه نمونه مورد مطالعه (N=326) به روش تصادفی خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای از زندانیان مقیم در ندامتگاه بزرگ تهران انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه سبک‌های تفکر جنایی (نایت و همکاران، ۲۰۰۶) بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که بین متغیرهای شخصی (سن و رتبه تولد) و کیفی (تعداد محکومیت‌ها) و متغیر تفکر جنایی همبستگی معنادار وجود دارد ($p < 0.05$).

واژه‌های کلیدی: متغیرهای شخصی و کیفی، تفکر جنایی، زندانیان.

*. این مقاله برگرفته از بخشی از طرح پژوهشی است که با اعتبار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن به انجام رسیده است.

** نویسنده مسؤل: mirhashemi@riau.ac.ir

ووصول: ۹۳/۱۲/۱۹ پذیرش: ۹۶/۰۹/۱۳

مقدمه

بندورا^۱ فرایندهای شناختی را در تعیین رفتار آدمی بسیار مهم می‌داند. معیارهای عملکرد درونی شده فرد، کارآمدی شخصی تصویری و معیارهای اخلاقی او در خود نظم دهی رفتار مؤثر هستند. شواهد بیشتر برای تأثیر فرایندهای شناختی از این واقعیت به دست می‌آیند که ما می‌توانیم خود را تقریباً در هر حالت هیجانی که بخواهیم تجسم کنیم. ما صرفاً با مشغول شدن به افکار مختلف می‌توانیم در خود حالت خشم، تهوع، آرامش و تحریک جنسی تولید نماییم؛ بنابراین، طبق نظر بندورا، رفتار می‌تواند شدیداً تحت تأثیر تخیلات فرد باشد. از آنجا که رفتار فرد دست‌کم تا حدی به وسیله فرایندهای شناختی او تعیین می‌شود، اگر این فرایندها به درستی واقعیت را منعکس نکنند، موجب رفتار ناسازگارانه می‌شوند (هرگنهان و اولسون^۲، ۲۰۰۱/۱۳۸۲).

بندورا چند دلیل برای ایجاد فرایندهای شناختی معیوب به دست می‌دهد. نخست، اعتقادات غلط در کودکان ممکن است به این علت به وجود آیند که چیزها را بر اساس ظاهرشان ارزیابی می‌کنند. دوم، خطای فکری می‌تواند از اطلاعات حاصل از شواهد ناکافی به وجود آید. طبق نظر بندورا (۱۹۷۷) این دید تحریف شده از واقعیت گاه ممکن است به رفتار جنایت‌آمیز منجر شود. پس از آنکه باورهای غلط تشکیل شدند، به صورت دائمی درمی‌آیند، زیرا صاحبان باورهای غلط افراد یا گروه‌هایی را می‌جویند که همان باورها را دارند. سوم، خطاهای فکری می‌توانند از پردازش غلط اطلاعات ناشی بشوند. بندورا می‌گوید که از اطلاعات درست نتیجه‌گیری‌های غلط نیز میسر است.

موضوع رابطه بین تفکر جنایی و رفتار مجرمانه موضوع جدیدی نیست. سایکز و ماتزا^۳ (۱۹۵۷) رفتار بزهکارانه^۴ را بر اساس خشی‌سازی در پنج زمینه تشریح کردند: نپذیرفتن مسئولیت، انکار کردن آسیب، انکار کردن قربانی، ابراز انزجار از سرزنش‌کنندگان و تقاضای وفاداری قومی. فرض بر این است که تفکر جنایی در سبک زندگی مجرمانه افراد به صورت شیوه‌های معینی از تفکر که سبب ارتکاب رفتار

ضداجتماعی توسط آنان می‌شود، ظاهر می‌شود. در واقع، ایده "شخصیت مجرم" بر دامنه‌ای از رفتارها از جمله توجیه و عقلانی‌سازی متمرکز است؛ هرچند، این رفتارها تحریف شده هستند یا در افراد مجرم مشاهده می‌شود (والترز^۵، ۲۰۰۳). یوکلسون و سیمانوا^۶ (۱۹۷۶) برای نخستین بار مفهوم شخصیت مجرم را طی مصاحبه با ۲۴۰ نفر از کسانی که معلوم شده بود به دلیل بیماری روانی بی‌گناه هستند، ارائه کردند. این مؤلفان ۳۶ الگوی تفکر جنایی بالقوه و ۱۸ رفتار منتج از آن را شناسایی کردند. این الگوها مشتمل بر الگوهایی بودند که از نظر معیارهای اجتماعی مربوط به مسئولیت‌پذیری رفتار نادرست قلمداد می‌شوند.

به منظور تبیین رفتار جنایی و مجرمانه چندین نظریه تفکر جنایی ارائه شده است از جمله مدل رشد اجتماعی (کاتالانو و هاوکینز^۷، ۱۹۹۶) و روانشناسی تکاملی (کوینزی^۸، ۲۰۰۲ نقل از هیوگز^۹، ۲۰۰۹). وجه مشترک بین مجرمان وجود تحریف‌های شناختی است (سیماناو، ۱۹۸۴؛ یوکلسون و سیمانوا، ۱۹۷۶). افرادی که به انجام رفتارهای مجرمانه گرایش دارند دارای تحریف‌های شناختی هستند که مقدم بر رفتارهای مجرمانه‌شان بوده و بروز آن را تسهیل می‌کنند (هویت^{۱۰}، ۱۹۹۵؛ سیمانوا، ۱۹۸۴).

هنگامی که افراد تفکرشان با تحریف شناختی همراه است اغلب و معمولاً رفتارشان را توجیه می‌کنند و موضوع را این گونه تعبیر می‌کنند که آن‌ها باید از قوانین و مقررات جامعه مستثنا شوند و تصویری که از خود نشان می‌دهند بیشتر در قالب قربانی است تا فردی که باید مسئولیت رفتارشان را بر عهده بگیرد (شارپ^{۱۱}، ۲۰۰۶ نقل از هیوگز، ۲۰۰۹). این تحریف‌های شناختی اغلب به عنوان سبک تفکر جنایی تعریف می‌شوند (والترز، ۱۹۹۵). این نظریه‌ها بر این فرض هستند که تفکر جنایی مقدم بر رفتار جنایی و مجرمانه است.

یوکلسون و سیمانوا (۱۹۷۶) بر اساس سال‌ها کار با افراد درگیر در رفتار مجرمانه ۵۲ خطای تفکر جنایی مشخص کردند. برای نمونه، برخی از فروشندهگان مواد مخدر، کار

1. Bandura
3. Sykes & Matza
5. Walters
7. Catalano & Hawkins
9. Huges
11. Sharp

2. Hergenhan & Olson
4. delinquent behavior
6. Yochelson & Samenow
8. Quinsey
10. Howitt

دفاعی یا رفتارهای دفاعی مرتبط باشد یا خیر. موضوع اساسی در مورد این مفهوم، تعریف کردن آن است، مخصوصاً زمانی که هدف اصلی یافتن آن دسته از ویژگی‌هایی است که می‌توانند به‌عنوان بخشی از برنامه کاهش ارتکاب مجدد جرم تغییر یافته و اصلاح شوند (تاکسمن، رودس و دومنسی^۲، ۲۰۱۱). شواهد نشان می‌دهد که مجرمان ضداجتماعی برحسب مجموعه‌ای از فرایندهای تفکر مشخص می‌شود از سبک زندگی مجرمانه آن‌ها حمایت می‌کند (نایت، گارنر، سیمپسون^۳، موری و فلاین^۴، ۲۰۰۶؛ والترز، ۱۹۹۵)؛ بنابراین، چنانچه این قبیل نگرش‌های ضداجتماعی در دوره نوجوانی شناسایی شوند ممکن است به پیش‌بینی تداوم رفتارهای ضداجتماعی در بزرگسالی کمک کند. والترز و وایت (۱۹۸۹) و والترز (۱۹۹۰) هشت سبک تفکر جنایی را مشخص کردند: سستی شناختی^۵، برش^۶، گسستگی^۷، استحقاق^۸، خونسردی^۹، جهت‌گیری قدرت^{۱۰}، احساساتی بودن و خوش‌بینی بیش از حد. والترز (۲۰۰۶b) یک سیاهه روانی برای سنجش سبک‌های تفکر جنایی^{۱۱} (PICS) برای عملیاتی کردن و سنجیدن ویژگی‌های تفکر جنایی ساخته است. این آزمون یک آزمون خودسنجی ۸۰ ماده‌ای است که سبک‌های تفکر جنایی را اندازه‌گیری می‌کند. نتایج پژوهش‌ها حاکی از این است که بین مردان و زنان از نظر نوع خطاهای تفکر جنایی که آنان را در معرض خطر ارتکاب جرم قرار می‌دهند تفاوت وجود دارد (بندا^{۱۲}، ۲۰۰۵؛ بونتا، پانگ و والاس-کاپرتا^{۱۳}، ۱۹۹۵؛ هالتفریت و کوپ^{۱۴}، ۲۰۰۷؛ ریزینگ، هالتفریت و موراش^{۱۵}، ۲۰۰۶). همچنین، در مطالعات انجام شده با CTS^{۱۶} بر روی مجرمانی که در برنامه‌های درمانی در زندان شرکت داشتند معلوم شد که میانگین نمره‌های مردان در مقایسه با زنان در شش مقیاس تفکر جنایی بالاتر است (بست، دی، کمپیل، فلاین^{۱۷} و سیمپسون، ۲۰۰۹؛ استاتون-تیندال^{۱۸} و همکاران، ۲۰۰۷).

خود را برای خود و دیگران این‌گونه توجیه می‌کنند که آنان برای حمایت از زن و فرزندان خود دست به این کار می‌زنند. درواقع، بسیاری از مردم به‌جای این‌که به کارهای غیرقانونی بپردازند مشاغل مختلفی را اختیار می‌کنند و یا از افراد خیر یا سازمان‌های خیریه کمک دریافت می‌کنند. سیمناو (۱۹۸۴) این استدلال را ارائه می‌دهد که گرچه خطاهای تفکر در یک پیوستار روی می‌دهند، درنهایت بر رفتار فرد اثر می‌گذارند. خطاهای تفکر جنایی مجرمان به‌مراتب فراوانی بیشتری در مقایسه با افرادی که تابع قانون هستند، دارد.

مدل سبک زندگی سلوک مجرمانه (والترز و وایت^۱، ۱۹۸۹) بر این فرض است که سبک‌های زندگی مجرمانه تحت تأثیر شرایط، انتخاب‌ها و شناخت که همگی باهم مرتبط‌اند، قرار دارند. والترز (۲۰۰۶) این توجیه را ارائه می‌دهد که موقعیت‌ها عواملی هستند که انتخاب‌های افراد را در زندگی محدود می‌کنند اما علت رفتار مجرمانه نیستند. در نتیجه، افراد با انتخاب‌های مختلف رها می‌شوند و همه انتخاب‌ها پیامدهایی را به دنبال دارند. در این میان، افراد برای توجیه تصمیم‌هایشان و ادامه دادن این تصمیم‌ها شناخت‌هایی را می‌آفرینند. سرانجام، انواع شناخت‌های در تفکر جنایی تمایل به تداوم سبک زندگی جنایی و در نتیجه رفتار مجرمانه، دارند. این نظریه اذعان دارد که عوامل محیطی به اندازه تفاوت‌های فردی ممکن است انتخاب‌های فرد را محدود کنند اما دست آن‌ها را در قانون‌شکنی باز نمی‌گذارد. اگرچه انتخاب‌ها تقویت می‌شوند و به سبک زندگی تبدیل می‌یابند، اما شناخت‌ها که برای توجیه و عقلانی‌سازی رفتارهای ضداجتماعی به کار می‌روند، سبک زندگی مجرمانه را تداوم می‌بخشند و به شکل‌گیری سبک‌های تفکر جنایی منجر می‌شوند.

مفهوم تفکر جنایی یا مجرمانه، پرسش‌هایی را مطرح کرده است؛ به‌ویژه در این باره که آیا این مفهوم جزئی از رفتارهای ضداجتماعی است که ممکن است با مکانیسم‌های

- | | |
|----------------------------------------------------------------|-----------------------------------|
| 1. White | 2. Taxman, Rhodes & Dumenci |
| 3. Knight, Garner & Simpson | 4. Morey & Flynn |
| 5. cognitive indolence | 6. cut off |
| 7. discontinuity | 8. entitlement |
| 9. molification | 10. power orientation |
| 11. Psychological Inventory of Criminal Thinking Styles (PICS) | 12. Benda |
| 13. Bonta, Pang & Wallace-capertta | 14. Cupp |
| 15. Reising & Morash | 16. Criminal Thinking Scale (CTS) |
| 17. Best, Da, Campbell & Flynn | 18. Staton-Tindall |

گرایش به کمتر شدن دارند، زمانی که محققان متغیر سن را کنترل می‌کنند (میلز، اندرسون و کرونر^۵، ۲۰۰۴).

تحقیقات انجام شده روی نمونه‌ای از مجرمان جنسی ایرلند نشان داد که روان‌پریش‌گرایی، رابطه با دوستان خلافکار، سطح خلافکاری به‌عنوان پیش‌بین‌های بالقوه نگرش‌های جنایی به شمار می‌آیند (بودوسیزک، مک لافلینو هیلند^۶، ۲۰۱۱). در این مطالعه نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که ۷۱ درصد از واریانس نگرش‌های جنایی بر پایه سه متغیر روان‌پریشی‌گرایی (به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بین)، ارتباط با دوستان خلافکار و سطوح جنایت‌پیشگی تبیین می‌شود. این تحقیق اولین مجموعه از شواهد تجربی را ارائه می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که حلقه پیش‌بینی‌کنندگی بین شخصیت (مخصوصاً صفت روان‌پریشی‌گرایی در مدل شخصیتی آیزنک^۷) و تفکر جنایی را بودوسیزک، آدامسون، شولین، هیلند و اوکانه^۸ (زیر چاپ) حمایت‌های تجربی دیگری را مطرح کرده‌اند.

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری در مورد مقایسه افراد مورد مطالعه برحسب نژاد (آفریقایی - آمریکایی، سفیدپوست، اسپانیایی و سایر نژادها) و جنسیت در ۵ مقیاس CTS نشان داد که تفاوت معناداری بین افراد متعلق به نژادهای مختلف و زنان و مردان وجود ندارد. تحلیل‌های تک متغیری نیز تفاوت معناداری را نشان نداد. هرچند، مقایسه نتایج مجرمان نوجوانان و بزرگسالان نشان داد که نمره‌های نوجوانان در سبک‌های تفکر جنایی در مقایسه با بزرگسالان بالاتر است. بررسی همبستگی ابعاد CTS با شاخص‌های مختلف کارکرد نوجوانان نشان داد که مقیاس‌های استحقاق و جهت‌گیری قدرت با جرائم سرقت ($P < 0/001$ و $r = 0/20$)، $P < 0/001$ و $r = 0/29$) و فروش مواد مخدر ($P < 0/001$ و $r = 0/22$)، $P < 0/05$ و $r = 0/18$) همبستگی مثبت و معنادار دارند (دمبو، ترنر و یانچیل^۹، ۲۰۰۷). کوی و همکاران (۲۰۰۶) با هدف رواسازی پرسشنامه روان‌شناختی سبک‌های تفکر جنایی در افراد عادی، تحقیقی را با عنوان سبک‌های تفکر جنایی و رفتار غیرقانونی در بین دانشجویان به انجام

مک‌کوی^۱ و همکاران (۲۰۰۶) با مقایسه نتایج مردان عادی و مجرم در مقیاس‌های تفکر جنایی بر اساس PICTS نشان دادند که مجرمان در مقایسه با افراد عادی نمره‌ای بالاتر در ۸ مقیاس PICTS به دست می‌آورند. همچنین، آن‌ها یافتند که نمره مردان مجرم که جرائم خشونت علیه دیگران داشتند در مقیاس‌های خونسردی، برش، استحقاق، جهت‌گیری قدرت، احساساتی بودن، خوش‌بینی افراطی، سستی شناختی و گسستگی بالاتر بود. نمره‌های بالا در این مقیاس‌ها بیانگر این است که در گروه مجرمان سطح بالاتری از الگوهای تفکر تحریف شده برای توجیه کردن جرائم در مقایسه با افراد عادی وجود دارد. به‌طورکلی، زنان سارق و مرتکب جرائم خشونت علیه دیگران سبک‌های تفکر تحریف شده مشابه با مردان داشتند. نکته دیگری که در تحقیقات نشان داده شده است این است که آیا تفکر جنایی با جرم ارتباط دارد. پولاس چک، کولی و واکس^۲ (۲۰۰۴) مقیاس نگرش‌های جنایی نسبت به خشونت را در مورد ۱۵۵ زندانی نیوزلندی اجرا کردند و دریافتند که میانگین مجرمان پرخاشگر به‌طور معناداری بیشتر از مجرمان غیر پرخاشگر است. علاوه بر این، لاسی^۳ (۲۰۰۰) گزارش می‌کند که زندانیان انگلیسی و ولزی به دلیل جرائمی نظیر سرقت، راهزنی، دزدی و زندانیان آمریکایی با تشخیص وابستگی به دارو یا الکل به‌طور معناداری سطوح متفاوتی از نگرش‌های جنایی را نشان می‌دهند. متجاوزان جنسی و مجرمان اختلاسی در مقایسه با سایر گروه‌های مجرمان تمایل دارند نمرات کمتری در مقیاس تفکر جنایی داشته باشند. مدل تحریف شناختی پیشنهاد می‌کند که مجرمان جنسی زمانی که آن‌ها در جرائم جنسی درگیر نیستند نگرش‌های جنسیتی را حفظ می‌کنند و تا حدودی از انحرافات شناختی آزاد هستند (وارد، هودسن و مارشال^۴، ۱۹۹۵). اگرچه حس قوی استحقاق، به‌عنوان مشخصه اصلی مجرمان جنسی شناخته شده است، اما یافته‌های برخی تحقیقات این ادعا را متزلزل ساخته‌اند. درواقع، مجرمان جنسی معمولاً نمرات کمتری از مجرمان غیرجنسی در PICTS کسب می‌کنند. اگرچه این تفاوت‌ها

1. McCoy
3. Lacy
5. Mills, Anderson & Kroner
7. Eysenck
9. Dembo, Turner & Jainchill

2. Polaschek, Collie & Walkey
4. Ward, Hudson & Marshall
6. Boduszek, McLaughlin & Hyland
8. Adamson, Shevlin, Hyland & O'Kane

۳۵۰ نفر تعیین شد. پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های ناقص و محدودش داده‌های ۳۱۳ آزمودنی تحلیل شدند (نرخ پاسخ برابر ۹۳ درصد بود).

ابزار سنجش

پرسشنامه سنجش تفکر جنایی: نایت و همکاران (۲۰۰۶) از پژوهشگران دانشگاه کریستین تگزاس^۱ بر پایه یک طرح پژوهشی مشترک با اداره فدرال زندان‌ها^۲ ابزار سنجش تفکر جنایی را ساختند. این پرسشنامه ۳۷ ماده‌ای ۶ بعد از خطرات شناختی یا نگرش‌های ضداجتماعی (والترز، ترگوواک، رایکلک، دی فازیو^۳ و اولسون، ۲۰۰۲؛ یوکلسون و سیمناو، ۱۹۷۶) را که با رفتارهای مجرمانه ارتباط دارند، اندازه‌گیری می‌کند. این شش مقیاس عبارت‌اند از: استحقاق (ادعای داشتن حق ویژه و تشخیص نادرست خواست‌ها به‌عنوان نیاز)، توجیه^۴ (گرایش به کاستن از وخامت رفتار ضداجتماعی و توجیه کردن این اعمال و رفتارها با توسل به عوامل بیرونی یا علل مخففه)، جهت‌گیری قدرت (اعمال پرخاشگری برای تحت کنترل درآوردن دیگران و موقعیت‌ها)، قساوت و سنگدلی^۵ (عدم درگیری عاطفی در برخورد با دیگران)، دلیل‌تراشی برای ارتکاب جرم^۶ (نگرش منفی درباره قانون و مسئولان) و بی‌مسئولیتی شخصی^۷ (سرزنش کردن دیگران بابت مشکلات خود). شیوه نمره‌گذاری بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم=۱، مخالفم=۲، نظری ندارم=۳، موافقم=۴ و کاملاً موافقم=۵) است. عبارت‌های ۱، ۷، ۱۳، ۱۸، ۱۹ و ۲۸ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. زمان لازم برای پاسخ دادن به این پرسشنامه ۱۵ دقیقه است.

سه مقیاس نخست از PICTS اقتباس شده‌اند و باقی مقیاس‌ها به‌طور ویژه بر مبنای کارهای یوکلسون و سیمناو (۱۹۷۶) تنظیم شده‌اند. فرم اولیه این پرسشنامه روی بیش از ۳۲۰۰ زندانی مراکز مختلف نگهداری زندانیان اجرا شد و ضرایب اعتبار مربوط به این مقیاس‌ها با شاخص آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۲ به دست آمد (نایت و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین، بر اساس تحلیل عاملی تأییدی مقیاس معلوم شد که ۴ عامل بهترین برازش را در نمونه

رساندند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که طبقه‌ای از رفتارهای غیرقانونی با انواع خاصی از سبک‌های تفکر جنایی همبستگی دارند.

با توجه به مطالب فوق و نظر به اهمیت نقش متغیرهای شناختی در بروز رفتارهای مجرمانه هدف اساسی این تحقیق تعیین سهم متغیرهای شخصی (سن، تحصیلات و رتبه تولد) و کیفری (تعداد بازداشت‌ها، تعداد محکومیت‌ها و طول مدت حبس و وابستگی به مواد) در تبیین تفکر جنایی بود. از این‌رو، فرضیه‌های زیر آزمون شدند:

فرضیه اول: بر اساس متغیر سن می‌توان سبک تفکر جنایی مجرمان را پیش‌بینی کرد.

فرضیه دوم: بر اساس متغیر تحصیلات می‌توان سبک تفکر جنایی مجرمان را پیش‌بینی کرد.

فرضیه سوم: بر اساس متغیر رتبه تولد می‌توان سبک تفکر جنایی مجرمان را پیش‌بینی کرد.

فرضیه چهارم: بر اساس متغیر تعداد بازداشت‌ها می‌توان سبک تفکر جنایی مجرمان را پیش‌بینی کرد.

فرضیه پنجم: بر اساس متغیر تعداد محکومیت‌ها می‌توان سبک تفکر جنایی مجرمان را پیش‌بینی کرد.

فرضیه ششم: بر اساس متغیر طول مدت حبس می‌توان سبک تفکر جنایی مجرمان را پیش‌بینی کرد.

فرضیه هفتم: بر اساس متغیر وابستگی به مواد می‌توان سبک تفکر جنایی مجرمان را پیش‌بینی کرد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این تحقیق بر مبنای مفروضه تحقیقات همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل زندانیان مقیم در ندامتگاه‌های (زندان‌ها) تهران بزرگ در سال ۱۳۹۳ بود. بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای از بین ندامتگاه‌های دایر در استان تهران به تصادف ندامتگاه مرکزی تهران به‌عنوان واحد نمونه‌گیری انتخاب شد و پرسشنامه سبک تفکر جنایی در مورد گروه نمونه که به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شده بودند، اجرا شد. در این مطالعه با توجه به نوع تحقیق و در نظر گرفتن مسائل اجرایی، هزینه و افت آزمودنی‌ها، حجم نمونه نهایی

1. Texas Christian University
3. Trgovac, Rychlec & Di Fazio
5. cold-heartedness
7. personal irresponsibility

2. Federal Bureau Prisons
4. justification
6. criminal rationalization

هرچند بار عاملی سایر عبارت‌های این مقیاس در حد ۰/۶۲ و بالاتر بودند.

نتایج بررسی روایی همزمان CTS با بررسی نمره‌های مقیاس‌ها و نمره کل آن در گروه نمونه به تفکیک جنسیت، احتمال خطر ارتکاب مجدد جرم و نوع جرم نشان می‌دهد که بر اساس نمره‌های CTS می‌توان بین گروه‌های مجرمان تفکیک قائل شده برای نمونه، میانگین نمره کل CTS در مجرمان سارق از سایر گروه‌های مجرمان بالاتر بود. همچنین، در مقیاس جهت‌گیری قدرت، میانگین نمره‌های مجرمان سارق و زندانیان محکوم به دلیل خشونت در مقایسه با زندانیان مواد مخدر بالاتر بود. طبق نتایج بررسی روایی پیش‌بین، طی یک دوره پیگیری ۶ ماهه تقریباً ۲۰ درصد (n=۳۵) نفر مجدداً دستگیر شدند (تاکسمن و همکاران، ۲۰۱۱).

هیچکدام از مقیاس‌های CTS با برخی از پیش‌بین‌های معمول خطر ارتکاب جرم مانند تعداد دستگیری‌ها (هشت بار یا بیشتر)، مدت حبس و احتمال ارتکاب مجدد ارتباط نداشتند. نمره‌های بالای افراد مورد مطالعه در دو مقیاس جهت‌گیری قدرت و عقلانی‌سازی جرم بیانگر این است که CTS می‌تواند در تفکیک انواع مجرمان سودمند باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که CTS در تفکیک افراد دارای احتمال بالای ارتکاب مجدد جرم کارایی ندارد. ضرایب اعتبار محاسبه شده برای مقیاس‌های فرعی پرسشنامه تفکر جنایی در مطالعه (دمبو و همکاران، ۲۰۰۷) روی یک نمونه ۲۰۳ نفری از نوجوانان نگهداری شده در مراکز اصلاح و تربیت (n=۵۲ زنان، n=۱۵۱ مردان) عبارت بودند از: استحقاق (α=۰/۸۵)، توجیه (α=۰/۷۷)، جهت‌گیری قدرت (α=۰/۸۳)، عقلانی‌سازی جرائم (α=۰/۷۶) و عدم مسئولیت شخصی (α=۰/۶۶). تحلیل عاملی تأییدی حاکی از بار عاملی عبارت‌های پرسشنامه بر یک عامل بود. نتایج این تحلیل برازش مناسب مدل یا داده‌های (P=۰/۰۹ و df=۵، X²=۹/۴۸؛ شاخص CFI برابر ۰/۹۹۱، ضریب توکر-لویس^۲ برابر ۰/۹۸۳ و خطای مجدد ریشه میانگین برابر ۰/۰۶۷ را نشان داد. این مؤلفان ضرایب اعتبار بالایی برای مقیاس‌های تفکر جنایی (۵ مقیاس) گزارش کرده‌اند. آنان

دارد، اما مؤلفان تصمیم گرفتند که بنا به دلایل بالینی و نظری، عمدتاً برای جدا کردن آن‌ها از مقیاس‌های PICTS، شش عامل را حفظ کنند. در این مطالعه، بین این مقیاس‌ها و شاخص‌های رفتار مجرمانه در گذشته یا آینده همبستگی معنادار به دست نیامد (نایت و همکاران، ۲۰۰۶). نایت و همکاران در یک مطالعه به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه تفکر جنایی (CTS) بر روی نمونه‌ای (N=۲۵۰) از مجرمان با آزادی مشروط پرداختند. هدف اساسی مطالعه نایت و همکاران ارزیابی روایی پیش‌بینی CTS بود. نتایج بررسی اعتبار مقیاس‌ها از طریق روش برآورد همسانی درونی عبارت بودند از: استحقاق (۰/۸۰)، توجیه (۰/۷۲)، جهت‌گیری قدرت (۰/۷۵)، سنگدلی (۰/۶۶)، دلیل‌تراشی برای ارتکاب جرم (۰/۶۴) و بی‌مسئولیت شخصی (۰/۶۳).

تاکسمن و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی به بررسی ساختار ۶ عاملی و همچنین یک ساختار احتمالی ۲ عاملی و یک مدل تک عاملی بر روی نمونه از زندانیان آزاد شده به قید ضمانت پرداختند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای ۶ عامل نشان داد که بر اساس ۳ شاخص برازش کلی از جمله RMSEA، CFI و شاخص توکر-لویس (TLI)، داده‌ها برازش مناسب را نشان دادند. علاوه بر این، همبستگی بین ۳ عامل توجیه، استحقاق و بی‌مسئولیت شخصی همبستگی بسیار قوی (بالاتر از ۰/۹) بود که بیانگر این است که سه عامل مذکور سازه‌های جداگانه‌ای نیستند (روایی تشخیصی ضعیف)، حال آنکه مقیاس سنگدلی با همبستگی پایین با سایر مقیاس‌ها روایی تشخیصی بالایی را نشان داد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که برخی عبارت‌های پرسشنامه بار عاملی نسبتاً ضعیفی بر عامل‌های پیشنهادی دارند. این عبارت‌ها شامل یک عبارت از مقیاس جهت‌گیری قدرت (عبارت شماره ۱۶) است که بار عاملی آن ۰/۲۰ بود. حال آن‌که سایر عبارت‌های این مقیاس بارهای عاملی در حد ۰/۴۸ یا بالاتر داشتند. در مقیاس عقلانی‌سازی جرم شماره ۱۹ بار عاملی ۰/۲۶ داشت، درحالی‌که سایر عبارت‌های این مقیاس بارهای عاملی در حد ۰/۴۱ یا بالاتر داشتند؛ و در خصوص مقیاس استحقاق، بار عاملی عبارت شماره ۲ در حد ۰/۲۷ بود،

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، به‌منظور توصیف آنان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شد. در مرحله تحلیل آماری، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه‌گیری که از نوع فاصله‌ای است و فرضیه‌های تحقیق برای تحلیل داده‌ها حسب مورد از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها

پس از بررسی داده‌ها از طریق اکسپلور، از مجموع ۳۲۶ شرکت‌کننده، داده‌های ۷ شرکت‌کننده (شماره‌های ۸۸، ۱۵۷، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۴۸ و ۳۰۹) از تحلیل کنار گذاشته شدند.

روایی همگرای مطلوبی بر اساس همبستگی‌های بین مقیاس‌های CTS و شاخص‌های رفتارهای جنایی از جمله سابقه رفتارهای مجرمانه، سوء‌مصرف مواد، روابط خانوادگی و تشخیص‌های بالینی (اختلال سلوک و ODD) در بین نوجوانان مورد مطالعه به دست آوردند (تاکسمن و همکاران، ۲۰۱۱). نمونه‌هایی از عبارت‌های این پرسشنامه به شرح زیر است:

- در توجیه مشکلات زندگی خود، جامعه و شرایط محیطی را سرزنش می‌کنید.

- چون بدشانسی آورده‌اید حالا به زندان افتاده‌اید.

- وقتی درباره انگیزه ارتکاب جرم از شما سؤال می‌کنند، با اشاره به این‌که زندگی خیلی سخت است رفتارتان را توجیه می‌کنید.

جدول ۱. فراوانی و فراوانی درصدی شرکت‌کنندگان به تفکیک وابستگی به مواد

وابستگی به مواد	فراوانی	درصد
وابسته به مواد	۱۶۹	۵۳
ناوابسته به مواد	۱۳۶	۴۲/۶
بدون پاسخ	۱۴	۴/۴
جمع	۳۱۹	۱۰۰/۰

جدول ۲. خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های کل شرکت‌کنندگان در متغیرهای تفکر جنایی متغیرهای جمعیتی (۵ مؤلفه آن) (N=۳۱۳)

متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
تفکر جنایی	تفکر جنایی نمره کل	۱۰۲/۹۶	۱۱/۹۳
متغیرهای جمعیتی	سن	۲۸/۹۵	۷/۸۰
	تحصیلات (سال‌های موفق تحصیل)	۹/۶۳	۳/۵۳
	رتبه تولد	۲/۹۲	۱/۹۳
	تعداد بازداشت‌ها	۴/۱۳	۴/۳۳
	تعداد محکومیت‌ها	۳/۲۳	۳/۳۶
	طول مدت حبس	۶۹۳/۲۳	۶۵۷/۷۴

برای استاندارد کردن آن‌ها از روش تبدیل بر پایه لگاریتم ۱۰ استفاده شد. تحلیل‌ها با استفاده از داده‌های تبدیل شده انجام شد.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت که در مورد متغیرهای جمعیتی به‌جز سطح تحصیلات، سایر متغیرها به توزیع نرمال میل ندارند؛ بنابراین،

جدول ۳. خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها (N=۳۱۳)

متغیرها	سبک تفکر جنایی	
	r	Sig
سن	-.۲۵۷**	۰/۰۰۱
تحصیلات	-.۱۴۲*	۰/۰۱۷
رتبه تولد	-.۱۴۰*	۰/۰۲۳
تعداد بازداشت‌ها	۰/۲۱۲**	۰/۰۰۱
تعداد محکومیت‌ها	۰/۲۵۴**	۰/۰۰۱
طول مدت حبس	-۰/۰۴۹	۰/۴۵۹

اطلاعات مندرج در جدول ۴ ضرایب همبستگی (شدت و جهت) متغیرهای سن، تحصیلات، رتبه تولد، تعداد بازداشت‌ها، تعداد محکومیت‌ها و طول مدت حبس با سبک تفکر جنایی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. خلاصه ضرایب رگرسیون

پیش‌بینی کننده‌ها	B	β	t	Sig	تلورانس	VIF
سن	-۲۰/۱۶۰	-۰/۱۹۵	-۲/۴۳۹*	۰/۰۱۶	۰/۹۶۹	۱/۰۳۲
تحصیلات	-۰/۴۰۳	-۰/۱۲۰	-۱/۴۷۳	۰/۱۴۳	۰/۹۲۹	۱/۰۷۶
رتبه تولد	-۶/۵۴۸	-۰/۱۶۵	-۲/۰۴۳*	۰/۰۴۳	۰/۹۵۰	۱/۰۵۳
تعداد بازداشت‌ها	-۳۲/۳۰	-۰/۰۸۱	-۰/۶۰۲	۰/۵۴۸	۰/۳۴۱	۲/۹۳۷
تعداد محکومیت‌ها	۹/۵۳۵	۰/۲۸۹	۲/۱۵۶*	۰/۰۳۳	۰/۳۴۴	۲/۹۰۴
طول مدت حبس	-۰/۸۸۸	-۰/۰۳۷	-۰/۴۴۷	۰/۶۵۶	۰/۸۹۹	۱/۱۱۳
وابستگی به مواد	۱/۰۱۹	۰/۰۴۵	۰/۵۰۹	۰/۶۱۱	۰/۸۰۸	۱/۲۳۸

$R^2 = ۰/۳۷۷$; $R = ۰/۶۱۴$ ؛ تعدیل شده؛ $R^2 = ۰/۱۴۲$ ؛ $F = ۳/۲۸۷$ ؛ $p < ۰/۰۰۱$

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۱۴۲) بدین معنی است که ۱۴/۲ درصد از واریانس متغیر تفکر جنایی توسط ۷ متغیر شخصی و کیفری سن، تحصیلات (سال‌های موفق)، رتبه تولد، تعداد بازداشت‌ها، تعداد محکومیت‌ها و طول مدت حبس و وابستگی به مواد تبیین می‌شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۳/۲۸۷) معنادار است ($p < ۰/۰۱$)؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تفکر جنایی همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه تحقیق کافی است. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان قضاوت کرد که تنها ۳ متغیر سن، رتبه تولد و تعداد محکومیت‌ها می‌توانند متغیر تفکر جنایی را پیش‌بینی کنند؛ بنابراین، شواهد برای پذیرش فرضیه‌های اول،

سوم و پنجم کافی است. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که سن و رتبه تولد با تفکر جنایی همبستگی منفی و معنادار دارند؛ به عبارت دیگر، با کاهش سن و رتبه تولد نمره تفکر جنایی افزایش می‌یابد. در عین حال، همبستگی بین متغیر تعداد محکومیت‌ها با تفکر جنایی مثبت و معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد هدف اساسی این مطالعه تعیین سهم متغیرهای شخصی و کیفری در تبیین تفکر جنایی در زندانیان بود. شواهد حاصل از تحلیل‌ها با استفاده ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که ۱۴/۲ درصد از واریانس متغیر تفکر جنایی توسط متغیرهای شخصی و کیفری سن، تحصیلات (سال‌های موفق)، رتبه

بالا تری را در مقیاس‌های مختلف تفکر جنایی به دست می‌آورند؛ بنابراین، چنانچه این قبیل نگرش‌های ضداجتماعی در دوره نوجوانی شناسایی شوند ممکن است به پیش‌بینی تداوم رفتارهای ضداجتماعی در بزرگسالی کمک کند. همچنین، رابطه منفی رتبه تولد با نمره کل تفکر جنایی و مقیاس جهت‌گیری قدرت حاکی از اهمیت متغیر رتبه تولد در ایجاد نگرش‌های مجرمانه است. نکته‌ای که روان‌شناس معروف آدلر^۱ نیز بر آن صحنه گذاشته و معتقد بود روان رنجورها و تبهکاران اغلب فرزند اول هستند (شولتز^۲ و شولتز، ۱۳۹۲/۲۰۱۳).

در حال حاضر، در ایالات متحده از هر ۳۱ نفر یک نفر تحت مراقبت‌های اصلاح رفتار قرار دارد که در مجموع تقریباً ۶ میلیون نفر به صورت آزادی مشروط خارج از زندان و ۲۳۰۰۰۰۰ نفر نیز در زندان به سر می‌برند. شمار افرادی که درگیر در مسائل قضایی و دادگاهی هستند از سال ۱۹۸۲، ۲۳ درصد افزایش یافته است. میزان ارتکاب مجدد جرائم طی سه دهه گذشته ثابت مانده است و به دلایل مختلف، آزادی مشروط بسیاری از مجرمان نیز لغو شده است. این روند تغییرات سریع در خصوص مسائل قضایی حاکی از ناتوانی نظام قضایی در برخورد کارآمد با مشکلات مجرمان است که به تداوم رفتارهای مجرمانه منجر می‌شود. از این رو، یکی از زمینه‌هایی که به عنوان نیاز جرم‌زا شناخته می‌شود خطاهای تفکر جنایی است (تاکسمن و همکاران، ۲۰۱۱؛ بلومشتاین و بک^۳، ۲۰۰۵؛ والترز، ۲۰۰۳).

بر اساس یافته‌های این تحقیق و مرور ادبیات مرتبط با آن، رفتار تحت تأثیر الگوهای شناختی قرار دارد و جرم نوعی سبک زندگی است که بر مکانیسم‌های عقلانی‌سازی و توجیه استوار است و علت اصلی رفتار ضداجتماعی به شمار می‌آید. مراکز و نهادهای حمایت‌کننده از آزادی مشروط برای اداره کردن مجرمان در خود جامعه تلاش‌های فراوانی داشته‌اند. طی دو دهه گذشته این مراکز و نهادها تشویق شده‌اند تا برای شناسایی سطح و نوع کنترل اصلاح و تربیت با تکیه بر کاهش عوامل خطرآفرین، مطالعات بشماروی صورت دهند. اگرچه تأکید بر عوامل خطرآفرین ممکن است برای عملکرد این مراکز و نهادها سودمند باشد، این واقعیت را هم باید در نظر گرفت که مجرمان نیازهای خدماتی

تولد، تعداد بازداشت‌ها، تعداد محکومیت‌ها و طول مدت حبس و وابستگی به مواد تبیین می‌شود. هرچند، تنها ۳ متغیر سن، رتبه تولد (منفی) و تعداد محکومیت‌ها (مثبت) با متغیر تفکر جنایی همبستگی معنادار داشتند ($p < 0/05$)؛ بنابراین، شواهد برای پذیرش ۳ فرضیه اول، سوم و پنجم تحقیق کافی بود.

در مجموع، این یافته‌ها این برداشت کلی را تأیید می‌کنند که تفکر جنایی بر رفتار فرد اثر می‌گذارد و در حوزه‌های شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی در تبیین علت ارتکاب جرم، نگرش‌های مجرمانه را به عنوان یکی از ۴ عامل مهم در نظر می‌گیرند. خطاهای شناختی مجرمان در مقایسه با افراد تابع قانون فراوانی بیشتری دارند و مجرمان در مقایسه با افراد قانون مدار تمایل بیشتری به سوءاستفاده از دیگران دارند. گرچه خطاهای تفکر در یک پیوستار روی می‌دهند؛ به عبارت دیگر، مجرمانی که تمایل بیشتری به نشان دادن خطاهای تفکر جنایی دارند همان کسانی هستند که تصمیم‌ها و انتخاب‌های نادرستی اتخاذ می‌کنند و این خطاهای تفکر بر رفتار مجرمانه آنان در آینده تأثیر دارند. همچنین، این یافته‌ها بیانگر رابطه بین تفکر جنایی (انگیزه سوءاستفاده کردن) و رفتار جنایی است. در واقع، ایده "شخصیت مجرم" بر دامنه‌ای از رفتارها از جمله توجیه و عقلانی‌سازی متمرکز است. هرچند، این رفتارها تحریف شده هستند یا در افراد مجرم مشاهده می‌شود (برای نمونه، سیمنو، ۱۹۸۴؛ تاکسمن، ۲۰۱۱؛ والترز، ۲۰۰۳؛ والترز، ۲۰۰۶؛ والترز و همکاران، ۲۰۰۲؛ نایت و همکاران، ۲۰۰۶؛ والترز، ۱۹۹۵).

در خصوص متغیرهای جمعیتی مانند جنسیت نتایج پژوهش‌ها حاکی از این است که بین مردان و زنان از نظر نوع خطاهای تفکر جنایی که آنان را در معرض خطر ارتکاب جرم قرار می‌دهند تفاوت وجود دارد (بندا، ۲۰۰۵؛ بونتا و همکاران، ۱۹۹۵؛ هالتفریتر، ۲۰۰۷؛ ریزیگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ بست و همکاران، ۲۰۰۹؛ استاتون-تیندال، ۲۰۰۷). با این که در این مطالعه به دلیل محدودیت در دسترسی به زندانیان زن، این متغیر بررسی نشد اما نقش سایر متغیرها نظیر سن، رتبه تولد و سطح تحصیلات بر تفکر جنایی معنادار بود. شواهد به دست آمده حاکی از این بود که زندانیان کم سن و سال و دارای تحصیلات پایین نمره

آن در پاسخ دادن به عبارت‌های پرسشنامه سبک‌های تفکر جنایی، محدودیت در اجرای آزادانه و در فضایی مناسب، عدم دسترسی به زندانیان زن و همچنین، حذف برخی داده‌ها به دلیل پرت بودن. برای رعایت اصول اخلاقی، محققان متعهد شدند جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مقررات نیروی انتظامی و زندان‌ها انجام بگیرد و اطلاعات گردآوری شده به صورت بی‌نام و محرمانه باقی بمانند.

منابع

- هرگنهان، ب. آر؛ و اولسون، متیو. اچ. (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*. ویرایش ششم. ترجمه علی‌اکبر سیف. تهران: دوران. (تاریخ چاپ اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۱).
- شولتز، د. پ.، شولتز، اس. ای. (۱۳۹۲). *نظریه‌های شخصیت*. ویرایش سیزدهم. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش. (تاریخ چاپ اثر به زبان اصلی، ۲۰۱۳).
- Andrews, D. A., & Bonta, J. (2006). *The psychology of criminal conduct* (4th ed.). Newark, NJ: Lexis Nexis/Mathew Bender.
- Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Benda, B. (2005). Gender differences in life-course theory of recidivism: A survival analysis. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 49, 325-342.
- Best, D., Day, E., Campbell, A., Flynn, P., & Simpson, D. D. (2009). Relationship between drug treatment engagement and criminal thinking style among drug-using offenders. *European Addiction Research*, 15, 71-77.
- Blumstein, A., & Beck, A. (2005). Reentry as a transient state between liberty and recommitment. In J. Travis & C. Visser (Eds.), *Prisoner reentry and crime in America* (pp. 50-79). New York, NY: Cambridge University Press.
- Boduszek, D., McLaughlin, C., & Hyland, P. (2011). Criminal Attitudes of Ex-Prisoners: the Role of Personality, Anti-Social Friends and Recidivism. *Internet Journal of Criminology*, 9, 1-10.
- Boduszek, D., Adamson, G., Shevlin, M., Hyland, P., & O'Kane, D. (in press). The Role of Personality in the Relationship between Criminal Social Identity and Criminal Thinking Style within a Sample of Prisoners with Learning Difficulties. *Journal of Learning Disabilities and Offending Behaviour*.
- Bonta, J., Pang, B., & Wallace-Capretta, S. (1995). Predictors of recidivism among incarcerated female offenders. *Prison Journal*, 75, 277-294.
- Catalano, R. F., & Hawkins, J. D. (1996). *The social development model: A theory of antisocial behavior*. Cambridge University Press.
- Catalano, R. F., & Hawkins, J. D. (1996). *The social development model: A theory of antisocial behavior*. Chapter 4 In Hawkins, J. D. *Delinquency*

متنوعی بر اساس نیازهای جرم‌زایی مرتبط با تفکر مجرمانه دارند (تاکسمن و همکاران، ۲۰۱۱). آندریوز^۱ و بونتا (۲۰۰۶) نیازهای جرم‌زایی را همان نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی می‌دانند که بر رفتارهای ضداجتماعی مجرمانه تأثیر می‌گذارند. فرض بر این است که تفکر جنایی همان الگوهای تفکر تحریف شده هستند که مجرمان برای توجیه و عقلانی‌سازی اعمال مجرمانه خود به آن‌ها متوسل می‌شوند. از این‌رو، به باور والترز (۲۰۰۶) با شناسایی خطاهای شناختی و درمجموع سبک‌های تفکر جنایی مجرمان و به کارگیری مداخله‌های شناختی می‌توان الگوهای تفکر مجرمان را در مسیر الگوهای تفکر مناسب از نظر اجتماع تغییر داد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان اظهار داشت که تفکر جنایی می‌تواند به‌عنوان متغیری مؤثر در تبیین رفتار جنایی مجرمان باشد و این یافته می‌تواند به مسئولان و متصدیان مراکز قضایی و انتظامی کمک کند تا در سبب‌شناسی رفتارهای مجرمانه خطاهای شناختی و سبک‌های تفکر را نیز به‌عنوان یکی از عوامل مهم در نظر بگیرند. از همه مهم‌تر شناسایی متغیرهای مؤثر بر سطح تفکر جنایی در این مطالعه یعنی سن، رتبه تولد و تعداد محکومیت نشان می‌دهد که در سطح تفکر جنایی با سن رابطه منفی و معنادار دارد. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود مراکز قضایی و انتظامی باید در اصلاح تفکر جنایی و جلوگیری از بروز آنان به‌ویژه در سنین پایین از راهبردهای آموزشی و پیشگیرانه استفاده کنند. در عین حال، توجه به رتبه تولد که رابطه منفی با تفکر جنایی نشان داد این اهمیت را دارد که فرزندان اول به‌ویژه بیشتر در معرض شکل‌گیری تفکر جنایی هستند. در نتیجه، هشدار است به خانواده که در آموزش و تربیت فرزندان خود با در نظر گرفتن رتبه تولد دقت بیشتری داشته باشند. سرانجام، معناداری و مثبت بودن رابطه تفکر جنایی با تعداد محکومیت‌ها نشان از روند مزمن شدن و استمرار آن در مجرمان دارد؛ بنابراین، مراکز اصلاح و تربیت و زندان‌ها باید به موضوع تغییر و اصلاح سبک‌های تفکر، خطاهای شناختی در مجرمان از طریق مداخله مستقیم و آموزش، اهمیت بیشتری بدهند.

محدودیت‌های احتمالی عمده این مطالعه عبارت بودند از واریانس بالای سطح تحصیلات زندانیان و تأثیر احتمالی

- and crime: Current theories. Cambridge University Press. (pp 149-197).
- Dembo, R., Turner, C. W., & Jainchill, N. (2007). An assessment of criminal thinking among incarcerated youths in three States. *Criminal Justice and Behavior*, 34(9), 1157-1167. DOI: 10.1177/0093854807304348
- Holtfreter, K., & Cupp, R. (2007). Gender and risk assessment: The empirical status of the LSI-R for women. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 23, 363-382.
- Howitt, D. (1995). Paedophiles and sexual offences against children. John. Wiley.
- Huges, A. L. (2009). *Criminal thinking and drug treatment entry among federal inmates*. Phd. Dissertation. University of Lowisvalle.
- Knight, K., Garner, B. R., Simpson, D. D., Morey, J. T., & Flynn, P. M. (2006). An assessment for criminal thinking. *Crime and Delinquency*, 52(1), 159-177.
- Lacy, P.J. (2000). Differences in thinking styles between inmates with drug problem diagnoses and inmates without drug problem diagnoses. Doctoral dissertation, Fielding Institute, 2000. *Dissertation Abstracts International*, 61B, 2790.
- Loeber, R., Farrington, D., Stouthamer-Loeber, M., Moffit, T., & Caspi, A. (1998). The development of male offending: key findings from the first decade of the Pittsburgh youth study. *Stud Crime Crime Prevent*; 7:141-71.
- McCoy, K., Fremouw, W., Tyner, E., Clegg, C., Johansson-Love, J., & Strunk, J. (2006). Criminal-thinking styles and illegal behavior among college students: Validation of the PICTS. *Journal of Forensic Sciences*, 51(5), (51174-1177. doi:10.1111/j.1556-4029.2006.00216.x
- Mills, J. F., Anderson, D., & Kroner, D. G. (2004). The antisocial attitudes and associates of sex offenders. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 14, 134- 145.
- Polaschek, D. L. L., Collie, R. M., & Walkey, F. H. (2004). Criminal attitudes to violence: development and preliminary validation of a scale for male prisoners. *Aggressive Behaviour*, 30, 484-503.
- Reisig, M. D., Holtfreter, K., & Morash, M. (2006). Assessing recidivism risk across female pathways to crime. *Justice Quarterly*, 23, 384-405.
- Samenow, S. E. (1984). *Inside the criminal mind*. USA: Times Books.
- Staton-Tindall, M., Garner, B. R., Morey, J. T., Leukefeld, C., Krietemeyer, J., Saum, C. A., & Oser, C. B. (2007). Gender differences in treatment engagement among a sample of incarcerated substance abusers. *Criminal Justice and Behavior*, 34(9), 1143-1156.
- Stanton, M. D., & Shadish, W. R. (1997). Outcom. Attrition, and family/couples treatment for drug abuse: A review of the controlled, comparative studies. *Psychological Bulletin*, 122, 170-190
- Sykes, G. M., & Matza, D. (December, 1957), Techniques of neutralization. *American Sociological Review*, 22, 664-670.
- Taxman, F. S., Rhodes, A. G., & Dumenci, L. (2011). Construct and predictive validity of criminal thinking scales. *Criminal Justice and Behavior*, 38(2), (2174-187. doi:10.1177/0093854810389550
- Walters, G. D., & White Thomas W. (August1989).Heredity and crime: Bad genes or bad research? *Criminology*, Vol. 27, Issue 3, 389-603.
- Walters, G. D. (1995). The psychological inventory of criminal thinking styles: Part 1. Reliability and preliminary validity. *Criminal Justice and Behavior*, 22, 307-325.
- Walters, G. D. (2003). Changes in criminal thinking and identity in novice and experienced inmates: Prisonization revisited. *Criminal Justice and Behavior*, 30, 399-421.
- Walters, G. D. (2006). Appraising, researching and conceptualizing criminal thinking: A personal view. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 16, 87-99.
- Walters, G. D. (2008). Self-report measures of psychopathy, antisocial personality, and criminal lifestyle: Testing and validating a two-dimensional model. *Criminal Justice and Behavior*, 35, 1459-1483.
- Walters, G. D., Trgovac, M., Rychlec, M., Di Fazio, R., & Olson, J. R. (2002). Assessing change with the Psychological Inventory of Criminal Thinking Styles: a controlled analysis and multisite cross-validation. *Criminal Justice and Behavior*, 29, 308-331.
- Ward, T., Hudson, S. M. & Marshal, W. L. 91995). Cognitive distortions and affective deficits in sex offenders: A cognitive deconstructionist interpretation. *Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment*, 7, 67-83
- Yochelson, S., & Samenow, S. E. (1976). *The criminal personality: Vol. 1. A profile for change* New York, NY: Jason Aronson.